



پرسشهای فلسفی معماهای ذهنی را شامل می‌شوند

رئیس دانشکده فلسفه و مطالعات دینی دانشگاه اولد دومینیون آمریکا با اشاره به اینکه فلسفه تحلیلی رویکرد فلسفی مسلط در فلسفه غرب نیست، گفت: ماهیت پرسشهای فلسفی به گونه‌ای است که شامل معماهای ذهنی صرف است.

رئیس دانشکده فلسفه و مطالعات دینی دانشگاه اولد دومینیون آمریکا با اشاره به اینکه فلسفه تحلیلی رویکرد فلسفی مسلط در فلسفه غرب نیست، گفت: ماهیت پرسشهای فلسفی به گونه‌ای است که شامل معماهای ذهنی صرف است. دکتر دیل میلر رئیس دانشکده فلسفه و مطالعات دینی دانشگاه اولد دومینیون آمریکا و استاد فلسفه این دانشگاه در خصوص تأثیر فلسفه تحلیلی بر کاربردی شدن موضوعات اخلاقی به خبرنگار مهر گفت: در حله اول باید توجه داشت که فلسفه تحلیلی رویکرد فلسفی مسلط در فلسفه غرب نیست.

وی افزود: کسانی که معتقد باشند تنها رویکرد مسلط فلسفی در غرب، فلسفه تحلیلی است به فلسفه قاره‌ای و تأثیرات آن جفا کرده‌اند. در خصوص مسلط بودن فلسفه تحلیلی تنها می‌توان گفت این رویکرد فلسفی در انگلستان و آمریکا مسلط و غالب است.

مؤلف "جان استوارت میل" در ادامه تأکید کرد: در خصوص اینکه چرا اخلاق متوجه مسائل و موضوعات کاربردی و عینی شده دو علت را می‌توان برشمرد. یک علت این است که اخلاق کاربردی تنها شاخه‌ای از فلسفه است که در آن می‌توان مفاهیم واقعی و عینی فلسفی را مشاهده کرد.

این متخصص فلسفه در ادامه تصریح کرد: معمولاً سنخ و نوع پرسشهای فلسفی به گونه‌ای است که ارتباط کمی با مسائل عینی و روزمره برقرار می‌کنند. در واقع ماهیت پرسشهای فلسفی به گونه‌ای است که شامل معماهای ذهنی صرف است که نسبتی با این موضوع که چگونه باید زندگی کرد ندارند.

میلر تأکید کرد: دومین علت توجه اخلاق به مسائل کاربردی و عینی است که بیشتر کارها و آثار انجام شده در اخلاق کاربردی در اختیار غیرفیلسوفان نیز قرار می‌گیرد.

وی تصریح کرد: همچنین توجه به مباحث کاربردی در اخلاق از جمله اخلاق حرفه‌ای باعث شده سایر رشته‌ها نیز بتوانند ارتباطی با اخلاق برقرار و مسائل و موضوعات اخلاق در حرفه و رشته آنها نیز قابل کاربرد باشد.

مؤلف "اخلاق، احکام و عواقب" در پایان تأکید کرد: در خصوص ارتباط بیشتر مراکز دانشگاهی دیگر با رشته‌های اخلاق می‌توان به ارتباط مدارس و دانشکده‌های تجارت با رشته اخلاق و بحث اخلاق تجارت اشاره کرد.